

خبر

«جسد‌های شیشه‌ای» سال آینده وارد پیش تولید می‌شود

بخش فرهنگی – به گفته مجری طرح پروژه، نگارش فیلمنامه «جسد‌های شیشه‌ای» تا بهار سال آینده ادامه دارد و بلافاصله پیش تولید آن شروع خواهد شد.

محمدرضا نادری مجری طرح سریال «جسد‌های شیشه‌ای» با اعلام اینکه نگارش فیلمنامه این سریال توسط میترا عرفانی و پیمان شیرخانی و به سرپرستی مسعود کیمیایی در حال انجام است گفت: سعی ما این است که تا بهار سال آینده کار نگارش فیلمنامه به اتمام برسد و بلافاصله پیش تولید سریال آغاز شود. «جسد‌های شیشه‌ای» عنوان رمانی است که در دهه هشتاد توسط مسعود کیمیایی نوشته شده و تا امروز ۲۶ بار تجدید چاپ شده است. پروژه سریال «جسد‌های شیشه‌ای» به‌تپه‌کنندگی جواد نوروزبیگی و همسر کبیری به کارگردانی مسعود کیمیایی اینک در مرحله نگارش فیلم‌نامه است.

●●●●●

حامد بهداد و باران کوثری در یک کمدی هم‌بازی شدند

بخش فرهنگی – فیلمبرداری نخستین فیلم بلند سینمایی عادل تبریزی با نام موقت «گیج‌گاه» آغاز شد.

فیلمبرداری نخستین فیلم بلند سینمایی عادل تبریزی با نام موقت «گیج‌گاه» با حضور رخشان بنی‌اعتماد در غرب تهران آغاز شد.در این فیلم سینمایی که تهیه آن را میرولی الله مدنی برعهده دارد؛ زوج حامد بهداد و باران کوثری برای اولین‌بار در ژانر کمدی به ایفای نقش می‌پردازند. فیلمنامه «گیج‌گاه» بر اساس ایده‌ای از عادل تبریزی، به طور مشترک توسط ارسلان امیری به نگارش درآمده است.عادل تبریزی پیش از این تجربه دستکاری با کارگردانی همچون مسعود کیمیایی، داریوش مهرجویی، حمید نعمت الله و … را داشته و با ساخت فیلم‌های کوتاه «من قدیمی هستم»، «اول پاییز» و «ضد ضربه» نظر مخاطبان و منتقدان را به خود جلب کرده است. سرمایه‌گذاری این اثر سینمایی را محمد حسین خانی و حنیف سروری بر عهده دارند.

●●●●●

جودی فاستر سراغ «سرفت مونالیزا» می‌رود

بخش فرهنگی – بازیگر برنده اسکار فیلمی درباره سرفت تابلوی مشهور لئوناردو داوینچی از موزه لوور پاریس می‌سازد. جودی فاستر قراردادی امضا کرده تا روی صندلی کارگردانی یک فیلم درام درباره سرفت نقاشی مونالیزا در سال ۱۹۱۱ بسازد. هنوز عنوانی برای این فیلم انتخاب نشده است.

صندوق رسانه لس‌آنجلس تامین مالی کامل این پروژه را بر عهده دارد. صندوق در حال حاضر بیل ویلر را برای نوشتن فیلمنامه این پروژه استخدام کرده و ویلر قرار است فیلمنامه را بر اساس کتاب «روزی که آن‌ها مونالیزا را دزدیدند» نوشته سیمور رایت بنویسد. این سرفت مشهور که در موزه لوور در پاریس صورت گرفت، توسط وینچنزو پروگیا کارمند موزه انجام شد. او باور داشت نقاشی لئوناردو داوینچی باید در ایتالیا به نمایش دربیاید و در پاریس باقی نماند. به این ترتیب پروگیا به مدت دو سال نقاشی را نگه داشت. در نهایت از زمانی دستگیر شد که قصد داشت مونالیزا را به مدیر گالری اوفیزی در فلورانس بفروشد. این نقاشی معروف در سال ۱۹۱۴ به موزه لوور بازگردانده شد.

از جمله فیلم‌هایی که تا به حال جودی فاستر کارگردانی کرده می‌توان به «مردی کوچک به نام تیت»، «در خانه برای تعطیلات»، «سگ آبی» و «هیولای پول» اشاره کرد. او همچنین قرار است در بازسازی انگلیسی زبان فیلم تریلر اسکاندیناویایی «زنان در جنگ» علاوه‌بر کارگردانی، نقش‌آفرینی هم داشته باشد. صندوق رسانه لس‌آنجلس ۹ سال پیش توسط جفری سوروس و سایمون هورسمن مدیران آن راه‌اندازی شد.

●●●●●

ولی‌الله شیراندازی در بیمارستان بستری شد

بخش فرهنگی – ولی‌الله شیراندازی – هنرمند عرصه نمایش – در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری شد. همسر این هنرمند در گفت‌وگویی با ایسنا بیان کرد: از روز گذشته حال ایشان خوب نبود و با اینکه پزشک هم به منزل آمد اما در آخر به دلیل مساعد نبودن شرایط جسمی به بیمارستان منتقل شدند. او با اشاره به اینکه همسرش فعلا در بخش مراقبت‌های ویژه بستری است، گفت: مناسفانه به هوش نایستند و سطح هوشیاری ایشان پایین است. شیراندازی متولد ۱۳۱۰ در شهر «مرو» است، تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی تئاتر در دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا به پایان رساند و مدرک درجه یک کارگردانی (معادل دکترا) را از وزارت فرهنگ دریافت کرده است.

او در بیش از ۳۰ تئاتر بازی و کارگردانی کرده و در فیلم‌هایی همچون «جایی برای زندگی»، «خانه‌ای روی آب»، «بوی کافور» عطر یاس» و «شازده احتجاب»، «شیر سنگی»، «شب دهم»، «راز باشکوه» و «وسوسه» هم بازی کرده است.

●●●●●

جایزه ویژه جشنواره ساندنس آمریکا برای ایران

بخش فرهنگی – فیلم «امتحان» برنده جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره ساندنس آمریکا برای بهترین بازیگری شد. به گزارش ایسنا، «صدف عسگری» برای بازی در فیلم کوتاه «امتحان» برنده جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره ساندنس آمریکا شد و کارگردانی فیلم نیز مورد تقدیر قرار گرفت. فیلم «امتحان» ساخته سوتیا حداد و با تهیه‌کنندگی پوریا حیدری اوره است که از جمله جوایز آن می‌توان به جایزه ویژه هیات داوران جشنواره انستیتو فیلم آمریکا اشاره کرد که بعد از دریافت آن به اسکار ۲۰۲۱ معرفی شد. جایزه «انجمن خبرنگاران فیلم کانادا» در جشنواره ویستلر کانادا برای بهترین کارگردانی، جایزه «میکلدی» جشنواره زینه بی اسپانیا برای بهترین فیلم کوتاه و جایزه بهترین فیلمنامه از جشنواره فیلم کوتاه تهران از دیگر جوایز این فیلم به شمار می‌روند.

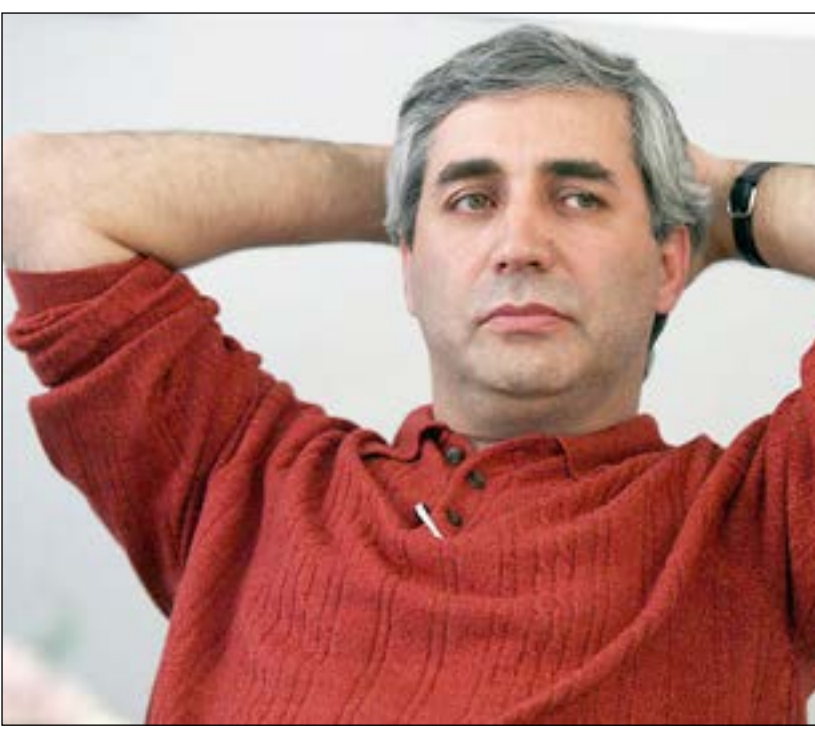
{فرهنگ و هنر }

مروری بر کارنامه سینمایی حاتمی کیا به بهانه ساخت بیستمین فیلمش

ابراهیم باز هم در آتش

و رزمنده جانبازی که می‌خواست در آلمان پناهنده شود دیدگاه‌های مختلفی را درباره جنگ ترسیم کرده بود.

او درباره بازخوردهایی که پس از نمایش «از کرخه تا راین» در سینما شهر قصه برای اهالی رسانه گرفته است اینطور می‌گوید: «با این فکر که این فیلم شکست خواهد خورد هی در خیابان های اطراف می‌چرخیدم و می‌ترسیدم به داخل سینما بروم. دقایق پائینی فیلم دیگر تحمل نکردم و یواشکی تو سینما خزیدم. دقایق آخر بود که من وارد سالن شدم. دیدم همه ساکت هستند. گفتم این سکوت نشانه شکست محض است. بعد آدم بیرون و در راهرو منتظر ایستادم. فکر می‌کردم از سالن که خارج بشوند از بغلم رد خواهند شد و محلی نخواهند گذاشت و اعتنا



نمی‌کنند. اما دیدم نفر به نفر بیرون آمدند و چشم‌ها خیس اشک است. همه من را بغل می‌کردند و حق هق می‌زدند. والله من گفتم اینها اهالی رسانه هستند دارند از این کارها می‌کنند. یک عده هم تهدید می‌کردند. همین‌طور که بغلم می‌کردند می‌گفتند تو کار زشتی کردی و بچه‌های جنگ را تحقیر کردی، باید محاکمه بشوی. یادم است در آن وضعیت یکی گردن من را گرفت و رها نمی‌کرد و می‌گفت تو نبستی به آرمان‌های بچه‌های جنگ خائن هستی و با این فیلم خیانت را نشان دادی. تو خون این شهدا را فروختی. در لحظه‌ای که او من را رها کرد کس دیگری می‌گرفت و می‌گفت تو عالی گفتی و آرمان شهدا را حفظ کردی. و من با هر دو این برخوردهای موافق و مخالف ماندم.» ابراهیم حاتمی‌کیا برای این فیلم سیمرغ بلورین بهترین فیلم را از یازدهمین دوره جشنواره فیلم فجر دریافت کرد.

حاتمی‌کیا با «خاکستر سبز» برای اولین و آخرین بار پایش را فراتر از مرزهای ایران گذاشت و تصمیم گرفت فیلمی بین‌المللی بسازد. در زمانی که هشت سال جنگ تحمیلی ایران تمام شده بود، ابراهیم حاتمی‌کیا به بوسنی هرزگوین که درگیر جنگ بود رفت تا فیلمی برای آن خطه بسازد. او درباره ساخت این فیلم در گفت‌وگویی در برنامه «راز» گفت: «ما فکر می‌کردیم که بعد از جنگ ماموریت جهادی تمام شده است ولی ماجرای بوسنی صحنه را باز کرد و دشمن هم وسیع‌تر شد و در آن فضا شامه‌ام به آن سمت کشیده شد. من زمانی که خواستم این فیلم را بسازم سارایوو در محاصره بود و ما اولین کشوری بودیم که درباره بوسنی فیلم ساختم. با بچه‌های بوسنی نشستیم و نتیجه اش شد این فیلم. در بسیاری از صحنه های فیلم بازیگران خود بچه های بوسنیایی هستند که در حال آوارگی سر صحنه فیلم من حاضر می‌شوند؛ گریه می‌کردند. همه می‌دانستند چه کنند و اتوماتیک سر جای خودشان قرار می‌گرفتند.» خاکستر سبز» را برخی شخصی‌ترین فیلم حاتمی‌کیا می‌دانند. فیلمی که البته در گیشه چندان موفق عمل نکرد و حضور در جشنواره‌ها هم برایش دستاوردی نداشتند.

«بوی پیراهن یوسف» ۱۳۷۴

پس از «خاکستر سبز» ابراهیم حاتمی‌کیا باز هم به درون مرزهای کشور برگشت و فیلمی با محوریت یک عنصر شاخص جنگ ساخت. اسارت و آزادیگی. اسیری که قرار است از بند آزاد شود و خانواده‌ای که چشم به راه یوسف گم‌گشته خود دارند. عشق و نفرت، امید و ناامیدی، خشم و استیصال احساساتی هستند که حاتمی‌کیا در «بوی پیراهن یوسف» با بازی‌های زیبای علی نصیریان و نیکی کریمی به تصویر کشید تا بار دیگر قدرت خود در ساخت ملودرام را به رخ بکشد.

«برج مینو» ۱۳۷۴

«برج مینو» که نگاهی هم به نقش زنان در جنگ دارد، تقریبا همزمان با «بوی پیراهن یوسف» ساخته شد. فیلمی که از همان ابتدا هم برای فروش ساخته نشده بود و آکران همزمانش با «بوی پیراهن یوسف» هم برای این بود که شکستش با موفقیت آن فیلم پوشیده شود. اتفاقی که با توقف آکران «بوی پیراهن یوسف» هیچ‌گاه رخ نداد و هر دو تهیه‌کننده منتظر شدند. این دو فیلم در میان منتقدان و در جشنواره هم نتوانستند چندان موفق عمل کنند.

«آژانس شیشه‌ای» ۱۳۷۶

نقطه اوج کارنامه ابراهیم حاتمی‌کیا و نماد سینمای دفاع مقدس؛ فیلمی که برخی پیش از ساخت، ساخت آن را انتحار سیاسی آقای کارگردان می‌دانستند و صدور پروانه ساخت آن مدت‌ها طول کشید و در نهایت با نامه رهبری و تغییر در پایان‌بندی اجازه تولید این اثر داده شد. فیلمی که هر چند برای حاتمی‌کیا سیمرغ بلورین فیلمنامه و کارگردانی را به دنبال داشت و در جشنواره فیلم فجر حسابی مورد توجه قرار گرفت اما منتقدان سرسختی هم داشت که آن بازگشت فیلمساز از آرمان‌هایش می‌دانستند تا جایی که برخی این فیلم را در زمان آکران آژانس گیشه‌ای نامیدند. «آژانس شیشه‌ای» اما بعدها الهام‌بخش فیلمسازان جوانی شد که می‌خواستند خود را به عنوان یک فیلمساز انقلابی معترض بشناسانند اما هیچ‌کدام نتوانستند به نزدیکی جایگاهی که «آژانس شیشه‌ای» رسیده بود هم نزدیک شوند.

«روبان قرمز» ۱۳۷۸

یک فیلم دفاع مقدسی دیگر از ابراهیم حاتمی‌کیا. فیلمی از تقابل یک زن جنگ‌زده با مشکلات زندگی پس از جنگ. زنی که می‌خواهد به زندگی خود پس از جنگ سر و سامانی بدهد و در این راه عاشق را هم تجربه می‌کند. «روبان قرمز» در سال ۷۸ و در نوزدهمین جشنواره فیلم فجر توانست توجه منتقدان را به خود جذب کند اما با حاشیه‌هایی که داشت در نهایت از جشنواره بیرون کشیده شد.

«موج مرده» ۱۳۷۹

اثر دیگری درباره انسان‌های پس از جنگ. یک فرمانده که می‌خواهد از ناو آمریکایی وینسنس انتقام بگیرد اما در این راه با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود. حاتمی‌کیا در «موج مرده» با نشان دادن اختلاف میان راشد و فرزندش به اختلافات عقیدتی میان نسل جنگ و نسل بعد از آن هم سری می‌زند. اتفاقی که بعدها در برخی فیلم‌های دیگر او هم تکرار می‌شود.

«ارتفاع پست» ۱۳۸۰

همکاری جذاب دو کارگردان شاخص سینمای ایران. فیلمنامه از اصغر فرهادی و کارگردانی از ابراهیم حاتمی‌کیا. داستانی که براساس یک ماجرای واقعی نوشته شده است. خانواده‌ای که سوار یک هواپیمای می‌شوند و چند نفر از آنها تلاش می‌کنند تا با هواپیماربابی هواپیماد و در حقیقت خانواده‌شان را به جای بهتری برای زندگی ببرند. فیلمنامه خوب، کارگردانی خوب و در نهایت بازی خوب بازیگران اصلی لیلیا حاتمی و حمید فرخ‌نژاد باعث شد تا این فیلم که در بیستمین دوره جشنواره فیلم فجر حاضر بود دو جایزه مهم، یعنی سیمرغ مشترک بهترین فیلم و جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران، را به خود اختصاص دهد. همچنین در ششمین دوره جشن خانه سینما جوایز بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را از آن خود کرد تا به یکی از صحنه‌های درخشان کارنامه حاتمی‌کیا تبدیل شود.

«به رنگ ارغوان» ۱۳۸۲

اولین فیلم توقیفی کارگردان مطرح سینمای انقلاب و دفاع مقدس. ماجرای یک فراری سیاسی که بعد از سال‌ها به کشور برگشته تا دخترش را ببیند. یک مأمور امنیتی در پوشش یک دانشجو به دختر او نزدیک می‌شود تا بتواند به پدر دست پیدا کند اما در این میان رابطه‌ای عاطفی میان او و دختر شکل می‌گیرد. «به رنگ ارغوان» در سال ۸۳ و برای حضور در بیست‌وسومین جشنواره فیلم فجر ساخته شد اما در نهایت پس از ۵سال توقیف در سال ۸۸ و در بیست‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد.

«به نام پدر» ۱۳۸۴

پس از دو فیلم اجتماعی، حاتمی‌کیا بار دیگر سراغ یک رزمنده آمد. رزمنده‌ای که سال‌ها پس از جنگ باید با یک چالش روبه‌رو شود. چالش سوالات دختر دانشجویش از او درباره جنگ و اینکه چرا جنگیده. فیلمی که برخی آن را فیلمی ضدجنگ نامیدند. «به نام پدر» توانست سیمرغ‌های بهترین فیلم، بهترین بازیگر نقش اصلی مرد برای پرویز پرستویی، بهترین بازیگر نقش مکمل زن برای مهتاب نصیرپور و بهترین چهره‌پرداز را به دست آورد، اما به اندازه

کارهای قبلی حاتمی‌کیا مورد توجه قرار نگرفت.

«دعوت» ۱۳۸۷

بار دیگر یک سوزه اجتماعی و این بار سوزه ملتهب «سقط جنین» دستمایه ابراهیم حاتمی‌کیا برای ساخت فیلمی چند اپیزودی شد. فیلمی که در نهایت پیامش این بود که جینینی که به دنیا فرآ خوانده شده نباید سقط شود. «دعوت» که هم در ساخت و هم در قصه از آثار متفاوت سینمای حاتمی‌کیا است اما در میان منتقدان نتوانست نظرات مثبت چندانی را به خود جلب کند و شاید همین موضوع باعث شد تا حاتمی‌کیا با انتقادات تندی به سراغ مخاطبان برود و حتی آنها را قلم به مزد خطاب کند!

«گزارش یک جشن» ۱۳۸۹

دومین فیلم توقیفی سینمای حاتمی‌کیا که هنوز فرصتی برای عرضه پیدا نکرده است. فیلمی که در سال ۸۹ ساخته شد و ارتباط میان بعضی وقایع آن با حواشی سیاسی سال۸۸ را علت توقیف آن می‌دانند. او در یک مصاحبه درباره این فیلم گفته است: «خجالت می‌کنم از اینکه چرا جلوی بخش فیلمی مثل «گزارش یک جشن» را گرفته‌اند و از این بابت افتخار نمی‌کنم که در جمهوری اسلامی فیلمی دارم که پخش نشده است.»

«چ» ۱۳۹۲

توقیف «دعوت» باعث دل‌زدگی حاتمی‌کیا که معمولا عادت به توقیف آثارش ندارد شد و او سه سالی دست از فیلم ساختن شست تا با یک سرمایه عظیم سراغ ساخت یک پروژه عظیم رفت. داستانی از زندگی شهید چمران با عنوان «چ» دستاورد ابراهیم حاتمی‌کیا از اولین برخوردها با پروداکشن عظیم بود. داستان دو روز از زندگی شهید چمران در پناه که دارای جلوه‌های ویژه و صحنه‌های جنگی که‌نظیری در سینمای ایران است. این فیلم در جشنواره سی‌دوم فجر حاضر بود که علاوه بر نامزدی در سه رشته بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین طراحی صحنه و لباس، موفق شد شش سیمرغ بهترین بازیگر مکمل مرد برای بابک حمیدیان (مشترک با رستاخیر)، بهترین تدوین، بهترین جلوه‌های ویژه بصری، بهترین جلوه‌های ویژه میدانی (مشترک)، بهترین صدا، و همچنین سیمرغ بهترین فیلم از نگاه ملی را به دست آورد.

«بادیگارد» ۱۳۹۴

شروع همکاری ابراهیم حاتمی‌کیا با سازمان اوج فیلمی اعتراضی بود که برخی آن را دنباله‌ای بر «آژانس شیشه‌ای» می‌دانستند. با همان کاراکتر که اینجا به جای حاج کاظم حیدر نام گرفته بود. داستان فردی که شغلش حفاظت از مقام‌های رده‌بالای نظام است اما آرمان‌خواهی‌هایش باعث می‌شود با تضادهایی در شغلش روبه‌رو شود. او در نهایت حفاظت از یک فرزند شهید که حالا یکی از دانشمندان هسته‌ای کشور است را برعهده می‌گیرد. «بادیگارد» هم مانند دیگر فیلم‌های ابراهیم حاتمی‌کیا با نظرات موافق و مخالف بسیاری روبه‌رو شد اما صحنه‌های اکشن شهری آن و سکلس پایان‌بندی غافلگیرکننده‌اش از مواردی بود که این فیلم را با بیش از ۸میلیارد و ۲۸۰میلیون تومان، به یکی از پرفروش‌های سال ۹۵ تبدیل کرد.

«به وقت شام» ۱۳۹۶

حاتمی‌کیا و اوج در دومین همکاری مشترکشان به سراغ سوزه داغ و بین‌المللی بنیادگره‌های مذهبی رفتند. داعش و حضورش در سوریه سوزهای بود که حاتمی‌کیا را که حالا با بودجه هنگفت اوج همراه شده بود قفلقلک داد تا فیلمی در این باره بسازد. فیلمی که در نهایت به یکی از فیلم‌های مهم سینمای ایران بدل شد اما نتوانست نظرات چندان مثبتی از منتقدان دریافت کند. او البته در اختتامیه جشنواره فیلم فجر و پس از آن که سیمرغ کارگردانی را به طور مشترک با بهرام حاتمی‌کیا برای تازه‌ترین فیلمش به سراغ فرامرز قریبیان رفته تا برایش احتمالا آن روزها با اجرای رضا رشیدپور روی آنتن می‌رفت حسابی از خجالت رضا رشیدپور و منتقدان فیلمش درآمد و با فریادهای «من وابسته‌ام» بار دیگر خود را به تیتز رسانه‌ها تبدیل کرد. «به وقت شام» به گفته مدیرعامل سازمان اوج ۸میلیارد هزینه ساخت داشت و در فروش ۱۳میلیارد تومان در گیشه کسب کرد.

«خروج» ۱۳۹۸

ابراهیم حاتمی‌کیا حالا و پس از ۳۰سال تجربه فیلمسازی و کوله‌باری از نقدهای مثبت و منفی و مواجه شدن با هورا کشیدن یا سوت زدن‌های اعتراضی به فیلم‌هایش با فیلم بیستم خود در جشنواره فیلم فجر حضور خواهد داشت. فیلمی که بار دیگر سوزهای اجتماعی دارد و بهانه آن سیل نوروز امسال بوده است. حاتمی‌کیا برای تازه‌ترین فیلمش به سراغ فرامرز قریبیان رفته تا برایش احتمالا نداعی‌کننده رضای «ردپای گرگ» مسعود کیمیایی باشد. نداعی‌کننده یک عاصی که خروج می‌کند. اگر چند سال قبل و در «قاتل اهلی» مسعود کیمیایی، کاراکتر دکتر جلال سروش با بازی پرویز پرستویی انگار از فیلم‌های حاتمی‌کیا اشتباه سر از فیلم کیمیایی درآورده بود و نتوانست موفق باشد، حالا حاتمی‌کیا برای «خروج» به سراغ گزینه سنتی فیلم‌های کیمیایی رفته و باید دید نمره بیست کارنامه فیلمسازی حاتمی‌کیا با این قصه و این قهرمان جدیدش چند می‌شود؟ و این بار برای حاتمی‌کیا در جشنواره سی‌وهشتم چه اتفاقی می‌افتد و او می‌تواند یک سیمرغ دیگر به کارنامه‌اش بیفزاید یا بار دیگر به عنوان یک معترض جشنواره فیلم فجر را ترک خواهد کرد؟